

مدینه عاقله

مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن کریم

سید احسان خاندوزی

www.ketab.ir

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدینه عادلہ (مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن کریم) ■ تألیف: سید احسان خاندوزی
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ سرپرست انتشار: سید سعید عبادی ■ چاپ اول: ۱۳۹۰ ■ قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صفافی: لاله کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۵۰-۷
همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: خاندوزی، سید احسان، ۲۵۹
عنوان و نام پدیدآور: مدینه عادلہ: مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن /
سید احسان خاندوزی
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری: ۳۹۰ ص.
شابک: ۷۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۵۰-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۷-۳۷۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت: نمایه.
موضوع: اسلام و اقتصاد — جنبه‌های قرآنی
موضوع: عدالت (اسلام) — جنبه‌های قرآنی
موضوع: اقتصاد — جنبه‌های جامعه‌شناختی
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
ردمبندی کنگره: ۱۳۹۰ ج ۲ الف / ۱۰۴ / BP
رده بندی دیویی: ۱۵۹/۳۶۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۸۸۰۷۰

فهرست مطالب

۹ سخن ناشر
۱۱ پیشگفتار
۱۵ بخش اول: آنچه اندیشمندان نمیده‌اند
۱۷ مقدمه
۲۱ فصل ۱. اندیشمندان پیشامدرن
۲۱ ۱.۱. ارزیابی دیدگاه افلاطون
۲۵ ۱.۲. ارزیابی دیدگاه ارسطو
۲۹ ۱.۳. ارزیابی دیدگاه آکویناس
۳۳ ۱.۴. ارزیابی دیدگاه فارابی
۳۷ ۱.۵. ارزیابی دیدگاه خواجه نصیر طوسی
۴۳ فصل ۲. رویکردها و نظریه‌های مدرن
۴۳ ۲.۱. ارزیابی رویکرد آزادی‌گرایی (هابز و لاک)
۵۰ ۲.۲. ارزیابی رویکرد قراردادگرایی (کانت و رالز)
۶۵ ۲.۳. ارزیابی رویکرد مطلوبیت‌گرایی (بتام، میل و پازنر)

۷۴.....	۲.۴. ارزیابی رویکرد جمع‌گرایی (مور و مارکس)
۸۰.....	۲.۵. ارزیابی رویکرد اختیارگرایی (لیبرتاریسم هایک)
۸۹.....	۲.۶. ارزیابی دیدگاه والزر
۹۷.....	فصل ۳. اندیشمندان مسلمان معاصر
۹۷.....	۳.۱. ارزیابی دیدگاه سید قطب
۱۰۰.....	۳.۲. ارزیابی دیدگاه شهید صدر
۱۰۴.....	۳.۳. ارزیابی دیدگاه استاد مطهری
۱۰۸.....	۳.۴. ارزیابی دیدگاه استاد حکیمی
۱۱۵.....	فصل ۴. ارزیابی و جمع‌بندی نظریات سه دوره
۱۱۵.....	۴.۱. جمع‌بندی نظرات حکمای مسلمان
۱۲۰.....	۴.۲. جمع‌بندی تئوری‌های مدرن
۱۲۴.....	۴.۳. جمع‌بندی نظرات مسلمانان معاصر
۱۲۹.....	بخش دوم: آنچه از قرآن می‌فهمیم
۱۳۱.....	مقدمه
۱۳۲.....	مساله حسن و قبح ذاتی و عقلی
۱۳۶.....	مساله نیاز به نظریه در عدالت
۱۴۱.....	فصل ۵. مقدمات کشف نظریه عدالت در قرآن
۱۴۱.....	۵.۱. رویکرد ما به ماهیت عدالت
۱۵۸.....	۵.۲. تبیین جایگاه «حق» در مفهوم عدالت
۱۶۲.....	۵.۲.۱. مبنا و ماهیت حق
۱۷۳.....	۵.۲.۲. گستره و دامنه حق
۱۸۵.....	۵.۳. روش ما در کشف نظریه عدالت در قرآن
۱۹۷.....	۵.۴. مروری بر واژگان عدالت اقتصادی

۲۰۹	فصل ۶. نظریه عدالت اقتصادی در قرآن
۲۰۹	۶.۱. نگرش عام قرآن به عدالت
۲۱۱	۶.۱.۱. نسبت عدالت اقتصادی با انسان شناسی
۲۱۶	۶.۱.۱.۱. نسبت عدالت اقتصادی با مبدا - نهایت
۲۲۰	۶.۱.۱.۲. پیوند عدالت با قواعد تکوین
۲۲۱	۶.۱.۱.۳. نسبت عدالت با دیگر اهداف و ارزشها
۲۲۴	۶.۱.۱.۴. اصل مطلق بودن و بی‌مرزی عدالت
۲۲۵	۶.۱.۱.۵. پیوند حوزه‌های عدالت اجتماعی با هم
۲۲۹	۶.۱.۱.۶. جایگاه حکومت در نظریه عدالت
۲۳۱	۶.۱.۱.۷. نسبت عدالت با رفاه و برخورداری
۲۳۳	۶.۲. نظریه عدالت اقتصادی در قرآن
۲۳۴	۶.۲.۱. ارکان: فقدان ظلم و کفران
۲۵۴	۶.۲.۲. عدالت در بازتوزیع
۲۷۳	۶.۲.۳. عدالت در مبادله
۲۹۵	۶.۲.۴. عدالت در تولید
۳۱۴	۶.۲.۵. عدالت در مصرف
۳۲۳	۶.۳. تکمیل نظریه عدالت اقتصادی
۳۲۳	۶.۳.۱. اصل رتبه‌بندی حقوق و مساله مصلحت
۳۲۹	۶.۳.۲. جایگاه آزادی، کارایی، دولت و بازار
۳۳۳	۶.۳.۳. نسبت عدالت با اخلاق و فرهنگ
۳۵۰	۶.۳.۴. پیامدهای تحقق عدالت
۳۵۵	فصل ۷. جمع بندی: مدینه عادلانه
۳۵۷	۷.۱. اقسام عدالت
۳۶۱	۷.۲. بررسی مطلوبیت عدالت

۳۶۳	۷.۳. نقد فطری بودن عدالت
۳۶۵	۷.۴. مبنای حقوق در عدالت
۳۶۸	۷.۵. اقتصاد بر مدار قسط و شکر
۳۷۱	۷.۶. ابزارهای تحقق عدالت
۳۷۳	۷.۷. مصلحت و رتبه‌بندی حقوق
۳۷۴	۷.۸. درباره پویایی عدالت
۳۷۸	۷.۹. دیات و بیان قرآن
۳۸۱	منابع و مآخذ
۳۸۷	نمایه‌ها

www.ketaboo.ir

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و به‌رمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به‌حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی -

پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طبعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

«با من حکمه عدل»

مدینه عادلّه آرمانشهری است که در آن عدل و داد به تمامه برپاست، پاسداشت حقوق ماندگار است اما بنای ستم ناپایدار. جامعه‌ای که مهمترین وصف رفتار مردمانش، توصیه عالمانش و تدبیر حاکمانش، عدالت است. شهری که خورشیدش به عدل می‌تابد و برش نیز به عدل می‌بارد. عدالتی همگانی، بی‌مرز و بی‌تبعیض. مدینه‌ای که آگاهی و آزادی اهلش اجازه نمی‌دهد که اهل منفعت به نام عدالت، کلمه‌ران شوند. شهری که فرمانروایانش قوت و دوام حکومت خود را نیز در عدل می‌جویند. زانکه شاهنشاه عادل را رعیت لشکر است (سعدی).

جایگاه عدالت در حیات جمعی همتراز معنویت در زندگی فردی است که اگر نباشد، حیات از معنا تهی می‌شود و به سطح لذتی حیوانی نزول خواهد کرد. فقدان معنویت، تاریکی درون است و فقدان عدالت، ظلمت بیرون. اگر عدالت غایت نباشد، کدام چشم‌انداز دلریا و کدام انگیزه والا برای عمل اجتماعی و تشکیلاتی وجود دارد؟ اگر عدالت نباشد ما خانه سیاست و اقتصاد را برای میزبانی از کدام میهمان محتشم و محترم آذین بندیم؟ اساسا اگر از ابتدا وعده ظلم و تبعیض داده شود، کدامین جامعه برپا خواهد شد؟

برخورداری من یا شما از قدرت و رفاه در جامعه تهی از عدل چه لذتی دارد؟ همسایگی با استعدادهای کوفته، بغضهای فروخورده، شکمهای گرسنه و حنجره‌های از حق‌گویی بریده چه لذتی برای انسان باقی می‌گذارد؟ و در مقابل، چه رویایی در سر و چه تاجی بر سر، برازنده‌تر از دادگری است؟ بی‌شک پس از معنویت و ایمان، هیچ غایت اجتماعی چنان ارجمند نیست که عدالت. به تعبیر فخر دادگران علی علیه‌السلام: اگر شیرینی برپاکردن یک حق یا انهدام یک ظلم نباشد، قدرت از یک کفش پاره کم‌ارزش‌تر است و حکومت چهارپایی که باید افسارش را بر گردنش نهاد تا دنیاطلبان از آن سواری گیرند (خطبه ۳۳ نهج‌البلاغه).

مدینه عاده همان مدینه فاضله نیست. پاره‌ای از نقشه مدینه فاضله است اما پاره‌ای بس مهم. فضیلت در نظر اندیشمندان عصر سنت یعنی هر آنچه انسان برای نیل به سعادت لازم داشت، یعنی آرمانشهر عقل و اخلاق. مدینه عاده گرچه مستلزم سطحی از فضایل عقلانی و اخلاقی اهل جامعه است و یکی از کارکردهای آن نیز تزاید عقل و اخلاق خواهد بود اما مترادف مدینه فاضله نیست. می‌توان جامعه عادلانه‌ای را تصور کرد که اهل آن و مناسبات آنها در کمال حکمت و اخلاق نبوده و بنابراین مصداق مدینه فاضله نباشد. اما بی‌تردید رفتار دادگرانه نیازمند شناخت حق و حقوق و پایبندی عملی به حقوق و قواعد است، و این یعنی سطح مقبولی از حکمت و اخلاق. نکته مهم آن است که عدالت مورد جستجوی ما در مدینه عاده نه به معنای عدل الهی است و نه ناظر به ارتباط متعادل انسان با نفس خویش و خداوند (عدل اخلاقی)، بلکه بر محور مناسبات عادلانه انسان با جهان و دیگران می‌گردد (عدالت اجتماعی). اما این مناسبات عادلانه یعنی چه؟ معیار عدالت اجتماعی چیست؟ از میان سراب‌های غربی و شرقی، راه نجات و آب حیات کدام است؟

این اثر تلاش فروتنانه‌ای است برای پاسخ به این پرسش سترگ بویژه در حوزه مناسبات اقتصادی (که بضاعف مختصر نگارنده در این حوزه است). سوال ما آن است که نظریات بشرساخته چه معنا و محتوایی برای عدالت اقتصادی ترسیم می‌کنند و قرآن به عنوان اول آبشخور معرفتی مسلمانان، چه تصویر می‌کند؟ چه شاخصهایی برای جامعه عادلانه وجود دارد؟ کدام قانون محالین یا سیاست دولت‌ها مطابق عدل و کدام خارج از مسیر عدل است؟ برای پاسخ بدین سوال بیش از دو سال تلاش پیگیر و روشمند صورت گرفت که حاصل آن در این اثر آمده است. بی‌تردید آنچه از زمزم کتاب الله برداشته شده تنها به قدر توان و تشنگی نگارنده بوده و با آلودگی ظرف شناخت ما نیز آغشته شده است. بنابراین نتایج این تحقیق به قرآن نسبت داده نشده و بخش دوم پژوهش «فهم ما از کتاب خدا» نام‌گذاری شده است و تمام کاستی‌های آن را باید ناشی از ظرف کوچک و ناپاک نگارنده دانست. اگر هم توفیقی است جز از صاحب قرآن نباید دید. هرچند گمان می‌رود که در نحوه مراجعه به قرآن در بحث عدل، راهی مبارک گشوده و گامی کوچک برداشته شده باشد لیکن امیدوارم استادان حوزه و دانشگاه نویسنده را از تذکرات و تنبیهات خود محروم نکنند.

در خصوص روش پژوهش: به تناسب تفاوت ماهیت دو بخش کتاب، در بخش نخست از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این بخش تلاش شده تا مهمترین نظریات عدالت اجتماعی از عصر تمدن یونان تا پایان قرن بیستم میلادی به اختصار معرفی و ارزیابی شود. روش قرآن‌پژوهی یا بخش دوم کتاب نیز به تفصیل در فصل ۵.۳ ذکر شده است. در این بخش با تکیه بر تعریف موسع عدالت و تمرکز آن پیرامون مفهوم حق (در مقابل تکلیف) برداشت نوینی از درون آیات قرآن (نظریه مدینه عادلانه) استخراج شده است. والله العالم.

روشن است کہ این پژوهش در کنار کاستی‌ها و ضعف‌های درونی (در فصل روش تحقیق اشاره شده است) از جهت بیرونی نیز به دو جهت ناکامل است: اول به جهت عدم شمول یا لااقل تفصیل آن در بخش عدالت سیاسی، قضائی و غیره کہ باید در تحقیقات دیگر تکمیل گردد و دوم به جهت عدم گسترش منبع پژوهش به دامنه سنت و سیره پیامبر و معصومین (علیهم‌السلام). چنانچه تحقیق حاضر از دو جهت فوق کامل گردد آنگاه می‌توان ادعا کرد کہ یک نظر به اسلامی برای عدالت اجتماعی عرضه گردیده است. تنها با طی این گردنه از سوی حوزه‌های دینی و دانشگاهی است کہ می‌توان وارد مراحل شاخص‌سازی، قانون‌نویسی، سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی گردید و میزان انحراف یا نزدیکی به معیارهای اسلامی عدالت را سنجید.

در خاتمه لازم است از اساتید و دوستان ارجمندی کہ در مسیر این اثر مرا مرهون یاری خود ساختند، سپاس بگذارم، همچنین از همسرم کہ جز با ایجاد فراغت‌های او این کار به پایان نمی‌رسید. از مدیران مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کہ بخشی از فرصت مطالعه این کار را در اختیارم گذاشتند تشکر می‌کنم. بیشترین تقدیر از دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و برادرم جناب آقای محمد نعمتی است. در نهایت اگر پاداش و توشه‌ای برای این تلاش کوچک هست، آن را به دو صاحب نعمتم یعنی پدر و مادرم تقدیم می‌کنم.

یا من احسانه قدیم.

سید احسان خاندوزی

بخش اول

آپدیشن‌ها و فمیده‌اند

www.ketab.ir

مقدمه

عدالت نه تنها برجسته‌ترین بند هجاری اقتصاد و فلسفه است، بلکه موضوع محوری حقوق و اخلاق، دغدغه بزرگ سیاست و مناقشه اصلی جامعه‌شناسی است. پربراه نیست اگر عدالت را پرسش محوری «تمام زندگی» یک جامعه بنامیم. مواجهه با مساله عدالت همانا یک شرط حیات واقعی جامعه است (کولم، ۱۹۹۶، ص ۴).

نخستین بخش از این کتاب به ارزیابی دیدگاه اندیشمندان قدیم و جدید در موضوع عدل بویژه عدل اقتصادی اختصاص دارد. موضوعی که متأسفانه جمع‌بندی کاملی از آن در کتب فارسی به چشم نمی‌خورد و گرد هم آمدن چنین مجموعه‌ای می‌تواند مرجع مناسبی برای دانش‌پژوهان و دانش‌جویان باشد. روشن است که ادا کردن حق مطلب و بررسی تفصیلی نظریات عدالت اقتصادی، نیازمند گروهی خیره و مجالی وسیع است لیکن تلاش کرده‌ام با رعایت امانت و دقت، جریان‌سازترین نظریات را برگزیده و عصاره هر یک را ارائه کنم.

این بخش از کتاب در چهار فصل تنظیم شده است: فصل اول به نظرات اندیشمندان پیش از عصر تجدد می‌پردازد (اعم از اندیشمندان یونانی، مسیحی و مسلمان). فصل دوم به بررسی نظرات اندیشمندان پس از رنسانس تا اواخر قرن بیستم میلادی و فصل سوم به مرور دیدگاه‌های برخی صاحب‌نظران مسلمان معاصر (که برای مسأله عدالت اقتصادی به صورت جدید آن دیدگاهی دارند) اختصاص دارد. فصل چهارم ارزیابی کلی دیدگاه‌های هر یک از سه دوره است. آنچه در فصول اول و سوم مطرح می‌شود درباره «نظریات» بوئر و مشهور است اما در فصل دوم هم به «رویکردها» و هم به تک‌نظریه‌ها پرداخته خواهد شد. زیرا ما در دوران پس از رنسانس شاهد ظهور چند رویکرد و مکتب در موضوع عدالت هستیم که نظریه‌پردازان متعددی و جریان‌های اجتماعی - سیاسی وسیعی را رقم زده‌اند. لاجرم در معرفی این رویکردها (مانند رویکرد عدالت به مثابه تحقق آزادی برابر) تنها به یک یا دو نفر از بزرگترین صاحب‌نظران آن اشاره می‌کنیم. در همین دوره شاهد برخی تک‌نظریات مهم هستیم که منجر به شکل‌گیری یک ادبیات نظری یا جریان اجتماعی و سیاست‌گذاری نشدند اما حائز اهمیت‌اند (مانند دیدگاه والزر).

شرح اجمالی یا تفصیلی نظریات عمدتاً بر اساس سه معیار بوده است: نخست اهمیت و قوت نظری یک دیدگاه، دوم میزان اثرگذاری نظری - عملی و فراگیری آن و سوم نزدیکی آن به مسائل عصر کنونی. همچنین در این مسیر تنها به بیان دیدگاه‌هایی پرداخته شده که به نام عدالت اجتماعی نظریه‌پردازی کرده‌باشند. اهمیت این نکته در آن است که بسیاری از ایده‌های مطرح در مسائل عدالت اقتصادی یا فقر (مانند ایده نیازهای اساسی^۱) نه یک

نظریه عدالت بلکه یک راهبرد توسعه اقتصادی و مانند آن به شمار می‌روند و بنابراین در بررسی ما مطرح نخواهند شد.

همچنین در فهرست صاحب‌نظریه‌های عدالت می‌توانستیم نام‌هایی همچون رینالد دوورکین، برایان بری، سرج کریستف کولم یا آمارتیا سن را نیز بیفزاییم اما ایشان با وجود تالیفات فراوان و نکات ارزشمند در باب عدالت، مشرب مستقل و نظریه جامعی در باب کلیت مفهوم عدالت ندارند. نظریه «برابری در منابع» دوورکین یا نظریه «قابلیت»^۱ سن را نمی‌توان تبیینی از کل مفهوم عدل در جامعه شمرد. اینان از لحاظ مبنای فلسفی عدالت نیز، پایگاه متمایزی ندارند البته در ابتدای بخش دوم کتاب به یک ایده چالش‌برانگیز سن در نظریه عدالت اشاره خواهیم کرد.

شاید در ادامه برای خوانندگان محترم این پرسش مطرح شود که با توجه به موضوع «عدالت اقتصادی» چرا کمتر نامی از اقتصاددانان بزرگ در این میان به چشم می‌خورد و عمدتاً آراء فیلسوفان مورد بررسی قرار گرفته است. واقعیت آن است که بحث عدالت در زمره مهم‌ترین بخشهای اقتصاد هنجاری^۲ است و هم‌جنس مقولاتی مانند مالکیت، دولت، آزادی، رفاه و غیره. جز در سده نخست تولد دانش اقتصاد (عصر اقتصاد سیاسی یعنی آخر قرن هجدهم تا آخر قرن نوزدهم میلادی) که اقتصاددانان بزرگی دستی بر اخلاق، فلسفه، سیاست و حقوق نیز داشتند، از آن زمان تا امروز آنچه میدان‌داری می‌کند علم اقتصاد اثباتی^۳ است. به دیگر سخن اقتصاددانان نمایل دارند به کشف روابط خارجی میان پدیده‌های اقتصادی بپردازند، مانند اثر حجم پول بر تورم، اثر کاهش ارزش پول بر صادرات، اثر تغییر نرخ مالیاتی

1. Capability
2. Normative Economics
3. Positive Economics

بر درآمدهای دولت، اثر افزایش قیمت یک کالا بر رفاه خانوارها، اثر افزایش دستمزد بر میزان بیکاری، اثر تعرفه گمرکی بر قاچاق و مانند آن.

این بدان معنا نیست که علم اقتصاد امروز از مبانی هنجاری تهی شده است بلکه به معنای عاریه گرفتن آن مبانی از فلسفه اجتماع یا فلسفه سیاست یا فلسفه اخلاق است. یعنی اقتصاددانان خود برای معنای آزادی و عدالتی که به کار می‌برند استدلالی ندارند. نسل اقتصاددانان قرن بیستم عمدتاً در مبانی هنجاری سر در آبشخور فیلسوفان سیاست و اخلاق و حقوق دارند. عدالت نیز استثناً این قاعده نیست. از میان نظریه پردازان مطرح عدالت در سده اخیر تنها فردریش فون هایک است که شانی مشابه نسل نخست اقتصاددانان دارد. از این روست که اقتصاددانی چون میلتون فریدمن یا آمارتیا سن نظریات خود را بر اساس تئوری عدالت فیلسوفان حقوق و سیاست یعنی هایک یا رالز بنا می‌کنند. در نتیجه پرداختن به آبشخورهای اصلی نظریات عدالت کفایت خواهد کرد و «چون که صد آمد نود هم پیش ماست».